

بررسی تمایزیافتگی خود و کیفیت رابطه با غیر هم‌جنس در دانشجویان مجرد

رباب حامدی*، زهره خسروی**، مهرانگیز پیوسته‌گر***، زهرا درویشه****،
روشنک خدابخش***** و غلام‌رضا صرامی*****

چکیده

هدف این پژوهش بررسی میزان تمایزیافتگی خود در روابط آسیب‌زا و غیر آسیب‌زا با غیر هم‌جنس در دانشجویان مجرد است. به این منظور ۴۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر مجرد دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. برای سنجش تمایزیافتگی از پرسشنامه اسکورن و فریدلندر استفاده شد و محقق برای بررسی کیفیت ارتباط با غیر هم‌جنس پرسشنامه‌ای بر اساس تئوری طرحواره‌های ناکارآمد جفری یانگ ساخت. با توجه به نمره پرسشنامه کیفیت ارتباط، چارک اول آزمودنی‌ها در توزیع فراوانی گروه مشکلات کم، چارک دوم و سوم در گروه مشکلات متوسط و چارک آخر در گروه مشکلات ارتباطی زیاد در نظر گرفته شد. روش پژوهش توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای است. نتایج نشان داد بین میانگین‌های این سه گروه از نظر تمایزیافتگی، واکنش هیجانی، بریدگی عاطفی و آمیختگی تفاوت معنادار وجود داشت، اما بین این سه گروه از نظر جایگاه من تفاوت معناداری دیده نشد. از دیگر نتایج پژوهش این بود که میان دختران و پسران از نظر شدت مشکلات ارتباط با جنس مخالف تفاوت معناداری دیده نشد.

کلید واژه‌ها

تمایزیافتگی خود؛ مشکلات ارتباط با غیر هم‌جنس

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی دانشگاه الزهراء(س) rb_hamedi@yahoo.com

**دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)

*** استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)

**** دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)

***** استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)

***** استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه خوارزمی

تاریخ پذیرش: ۹۱/۸/۲۰

تاریخ بررسی: ۹۱/۲/۵

مقدمه

انسان‌ها موجودات اجتماعی هستند که نیاز اساسی آن‌ها عشق و تعلق به دیگران است (بايومیستر و لیری^۱، ۱۹۹۵). آن‌ها برای برآورده کردن این نیاز به برقراری رابطه صمیمانه با دیگران اقدام می‌کنند. در مرحله‌ای از رشد که تقریباً هم‌زمان با پایان دوره نوجوانی است ارتباط با غیر هم‌جنس کیفیتی متفاوت می‌یابد و دختران و پسران با انگیزه‌های متفاوت، با هم رابطه برقرار می‌کنند. برخی با هدف انتخاب فردی مناسب برای ازدواج، عده‌ای به قصد کنجکاوی و شناخت جنس مخالف و گروهی دیگر با هدف دوستی‌های موقت که می‌تواند صرفاً یک رابطه عاطفی باشد یا برآورده کردن نیازهای جنسی. هر چند این گونه روابط می‌تواند زمینه را برای ازدواج مناسب فراهم کند، اما در این مسیر گاه مشکلات مختلفی به وجود می‌آید که ممکن است زندگی آینده افراد را تحت تأثیر قرار دهد و پیامدهایی مانند ایجاد نگرش منفی نسبت به غیر هم‌جنس، افت تحصیلی، ازدواج نامناسب به دنبال داشته باشد. اگرچه در ایران پژوهش‌های در این زمینه بیشتر درباره افراد متأهل انجام شده است، با این حال نتایج درباره فراوانی رابطه با غیر هم‌جنس در برخی از پژوهش‌ها از جمله پژوهش خلج‌آبادی و مهریار (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که حدود ۵٪ دختران دانشجوی با غیر هم‌جنس رابطه داشته و حدود ۲۵٪ از این دختران تماس جنسی داشته‌اند. این نتایج اجتناب‌ناپذیر بودن رابطه دختر و پسر را نشان می‌دهد که شناسایی اشکال آسیب‌زا و عوامل مؤثر بر آن، می‌تواند در طراحی برنامه‌های پیشگیری سطح اول و دوم به کار گرفته شود.

میزان توانایی فرد در استقلال از خانواده اصلی و تعادل بخشیدن بین احساس و تفکر نقش زیادی بر کیفیت روابط بین فردی دارد. در تئوری بوئن^۲ به دو نیروی بیولوژیک تأکید می‌شود که عبارت هستند از: با هم بودن/ارتباط و جدا بودن/فردیت^۳. تمایز یافتگی تعادلی است که هر فرد بین دو نیروی با هم بودن و فردیت برقرار می‌کند و حاصل آن ایجاد توازن بین حفظ استقلال و تداوم ارتباط با افراد مهم زندگی است (کر^۴ و بوئن، ۱۹۸۸). تمایز یافتگی خود نقش

-
1. Baumeister & Leary
 2. Bowen
 3. individuality
 4. Kerr

زیادی در کیفیت روابط عاطفی دارد. افراد تمایز یافته می‌توانند بدون ترس از یکی شدن، ضمن تجربه صمیمیت در روابط نزدیک استقلال خود را حفظ کنند و زمانی که با اضطراب شریک خود مواجه می‌شوند، آرامش نسبی داشته باشند (اشنارخ^۲، ۱۹۹۷).

تمایز یافتگی دارای دو بعد درون فردی و بین فردی است که در سطح درون فردی به معنای توانایی فرد در تمایز بین احساسات هیجانی از تفکر منطقی و در سطح بین فردی عبارت است از توانایی ایجاد تعادل بین داشتن استقلال و خودمختاری و حفظ روابط نزدیک با دیگران (بوئن، ۱۹۷۸؛ کر و بوئن، ۱۹۸۸). بر اساس تئوری بوئن تمایز یافتگی از چهار بخش تشکیل شده است که عبارت هستند از:

واکنش هیجانی^۳: تمایل به پاسخ هیجانی خودکار به محرک‌های محیطی که ممکن است به صورت بی‌تفاوتی یا حساسیت افراطی بروز کند.

جایگاه من^۴: داشتن توصیف آشکار از خود، ارزشمند دانستن اعتقادات و باورهای شخصی و حفظ آن‌ها حتی در زمان مواجهه با فشار گروه.

بریدگی عاطفی^۵: احساس تهدید شدن در روابط صمیمانه، ترس از صمیمیت و آسیب‌پذیری افراطی در روابط نزدیک که با فاصله‌گیری عاطفی از دیگران آشکار می‌شود.

آمیختگی با دیگران^۶: درگیری هیجانی با افراد مهم زندگی و هویت‌یابی افراطی با آن‌ها. بر اساس تئوری بوئن کسانی که تمایز یافتگی بالایی دارند رفتاری مستقل داشته و در روابط خود کمتر واکنش‌های هیجانی نشان می‌دهند، آن‌ها می‌توانند در حالی که با دیگران ارتباط صمیمانه دارند مرزهای هویت خود را حفظ کنند و رفتار معطوف به هدف داشته باشند. این‌گونه افراد می‌توانند احساس و تفکر خود را از هم متمایز کنند و با توجه به موقعیت آن‌ها را به کار گیرند، اضطراب و سایر هیجان‌های خود را کنترل کرده و در روابط خود کمتر دچار مشکل شوند (بوئن، ۱۹۷۸). آن‌ها از آمیختگی با دیگران یا بریدگی هیجانی به عنوان مکانیسم

-
1. self differentiation
 2. Schnarkh
 3. Emotional Reactivity
 4. I position
 5. Emotional cutoff
 6. Fusion with others

تنظیم اضطراب اجتناب می‌کنند و می‌توانند جایگاه من را حفظ کرده و نسبت به عقاید و ارزش‌های خود وفادار بمانند. تمایز یافتگی پایین با کاهش خودمختاری و افزایش واکنش هیجانی همراه است، افرادی که تمایز یافتگی کمی دارند، کمتر می‌توانند هیجان‌های خود را کنترل کنند و در روابط نزدیک دچار مشکل می‌شوند (بوئن، ۱۹۷۸) این گونه افراد روابط تنش‌زایی با دیگران دارند و رفتارهای آن‌ها اغلب وابسته به شرایط محیطی و رفتارهای دیگران است. آن‌ها هنگامی که در روابط خود با شرایط اضطراب‌زا مواجه می‌شوند یا به آمیختگی با دیگران تمایل می‌یابند یا دچار بریدگی عاطفی شده و از نظر فیزیکی یا عاطفی از دیگران فاصله می‌گیرند (کر و بوئن، ۱۹۸۸) که پیامد آن مواجه شدن بیشتر با مشکلات در روابط است. در این پژوهش برای بررسی مشکلات ارتباطی از تئوری طرحواره‌های ناسازگار استفاده شده است. به نظر یانگ (۱۹۹۹) طرحواره‌های ناسازگار الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل گرفته و در طی عمر تکرار می‌شوند و زندگی بزرگسالی را به شرایط ناگوار دوران کودکی می‌کشانند. این طرحواره‌ها حاصل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی هستند که خلق و خوی هیجانی و تجارب اولیه زندگی در شکل‌گیری آن‌ها نقش زیادی دارند (یانگ^۱ و همکاران، ۱۳۸۶). یانگ هجده طرحواره ناسازگار را معرفی می‌کند که بر اساس پنج نیاز هیجانی ارضا نشده به ۵ حوزه تقسیم می‌شوند. این حوزه‌ها و طرحواره‌های مربوط به هر یک عبارت هستند از:

حوزه بریدگی و طرد: طرحواره‌های رهاشدگی / بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی / بدرفتاری، محرومیت هیجانی، نقص / شرم، انزوای اجتماعی / بیگانگی.

حوزه خودگردانی و عملکرد مختل: طرحواره‌های وابستگی / بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، خود تحول‌نیافته / گرفتار، شکست.

حوزه محدودیت‌های مختل: طرحواره‌های استحقاق / بزرگ منشی، خویش‌داری و خود انضباطی ناکافی.

حوزه دیگر جهت‌مندی: طرحواره‌های اطاعت، اینثار، پذیرش جویی / جلب توجه.

حوزه گوش‌بزرگی بیش از حد و بازداری: طرحواره‌های منفی‌گرایی / بدبینی، بازداری

هیجانی، معیارهای سرسختانه / عیب‌جویی افراطی، تنبیه.

از نظر یانگ و کلوسکو (۱۹۹۳) طرحواره‌ها روابط صمیمانه افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند و با توجه به نوع طرحواره غالب، مشکلات متفاوتی در رابطه بین فردی به وجود می‌آید. مشکلات عمده ارتباطی که در این پژوهش با توجه به تئوری یانگ به آن توجه شده عبارت هستند از: ارتباط عاطفی مکرر هم‌زمان و غیر هم‌زمان با افراد مختلف، اصرار به ادامه رابطه به رغم غیر منطقی بودن آن، سازش افراطی، وابستگی، نیاز افراطی به تأیید، بازداری هیجانی، سخت‌گیری بیش از حد، بی‌اعتمادی، فقدان کنترل بر رابطه، اطاعت افراطی، نیاز شدید به جلب توجه، رابطه ناپایدار، کنترل‌گری، بی‌اعتمادی، مورد سو استفاده قرار گرفتن، مراقبت افراطی، ناتوانی در کنترل تکانه‌ها، مقاومت نکردن در برابر درخواست‌های غیرمنطقی. در این پژوهش روابطی آسیب‌زا در نظر گرفته شده‌اند که در یکی از طرحواره‌های ذکر شده در ارتباط با جنس مخالف مشکل داشته باشند.

با توجه به این که پژوهش‌های انجام شده در ایران در زمینه تمایز یافتگی اغلب در نمونه زوج انجام شده و روابط میان دختر و پسران مجرد ماهیت و اهمیت خاصی دارد که کمتر پژوهشی کمیت و کیفیت آن را بررسی کرده است، هدف این پژوهش بررسی نقش تمایز یافتگی خود در مشکلات ارتباطی با غیر هم‌جنس میان دانشجویان مجرد است. همچنین پژوهش حاضر به طراحی پرسشنامه روابط آسیب‌زا بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ اقدام کرده است که سایر پژوهش‌ها به این مسأله توجه نکرده‌اند. فرضیه‌های پژوهش عبارت است از:

- هر چه میزان تمایز یافتگی خود کمتر باشد، در رابطه با غیر هم‌جنس مشکلات بیشتری به وجود می‌آید.
- هر چه بریدگی عاطفی، واکنش هیجانی و آمیختگی با دیگران بیشتر باشد، میزان مشکلات با غیر هم‌جنس بیشتر است.
- افزایش جایگاه من با کاهش مشکلات با غیر هم‌جنس همراه است.

روش

جامعه آماری دانشجویان در دسترس و نمونه پژوهش از دانشجویان دانشگاه‌های تهران و

علوم پزشکی تهران انتخاب شدند. بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۳۷۸ نفر تعیین شد که با توجه به امکان وجود نقص در پرسشنامه‌های دریافتی، پژوهش در میان ۴۰۰ نفر انجام شد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی بود. ابتدا از بین ۴۱ دانشکده دو دانشگاه، ۲۰ دانشکده به طور تصادفی انتخاب شد و سپس از مجموع رشته‌های هر دانشکده یک رشته به طور تصادفی انتخاب و ۲۰ دانشجو از هر دانشکده به طور تصادفی آزمون شدند. ابزارهای استفاده شده در این پژوهش عبارت هستند از:

پرسشنامه بررسی کیفیت ارتباط با غیر هم‌جنس

محقق این پرسشنامه را بر اساس نظریه طرحواره‌های شناختی جفری یانگ ساخته است. برای ساخت این آزمون ابتدا انواع مشکلات ارتباطی از تئوری یانگ استخراج و به شکل سؤال چهار گزینه‌ای تنظیم شد. سؤال‌ها را ۱۰ تن از اساتید روان‌شناسی ارزیابی کردند و پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی، پرسشنامه در میان ۳۰ نفر به شکل مقدماتی^۱ اجرا و ایرادات نهایی آن رفع شد. سؤال‌های این پرسشنامه براساس حوزه‌های مختلف طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ طراحی شده است و هر یک از آن‌ها مشخص‌کننده مشکلات ارتباطی ناشی از طرحواره خاصی است. روایی محتوایی پرسشنامه را سه تن از اساتید روان‌شناسی تأیید کردند. برای ارزیابی پایایی با روش آزمون - باز آزمون، چهار هفته پس از اجرا، ۳۰ نفر از کسانی که قبلاً در پژوهش شرکت کرده بودند پرسشنامه را مجدداً تکمیل کردند که همبستگی نمره اجرای اول با اجرای دوم ۰/۷۲ به دست آمد. این پرسشنامه دارای ۴۲ سؤال است. ابتدا درباره وجود ارتباط و سپس نوع و سطح ارتباط با جنس مخالف سؤال می‌شود. آنگاه علت فقدان ارتباط در کسانی که ارتباط عاطفی نداشته‌اند، سپس درباره ویژگی مؤثر در جدایی جنس مخالف سؤال شده و در نهایت انواع مشکلات ارتباطی که حاصل ۱۸ طرحواره شناختی است، در مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای از هیچ تا خیلی زیاد سؤال شده است.

آزمون تمایز یافتگی خود (DSI)

این آزمون را اسکورن و فریدلندر^۲ (۱۹۹۸) تهیه کرده‌اند و ۴۵ سؤال دارد که در مقیاس ۶

1. pilot
2. Skorown & Friedlander

درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۶ (کاملاً موافقم) درجه‌بندی شده و دارای چهار خرده مقیاس واکنش هیجانی، موقعیت من، بریدگی عاطفی و آمیختگی است. نتایج پژوهش‌ها اعتبار و روایی بالایی را در این پرسشنامه نشان داده است. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای تمایز یافتگی کلی ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۶۳، ۰/۷۵، ۰/۶۰، ۰/۷۰ است. در پژوهش اسکین (۱۳۸۴) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و در پژوهش شکیبایی به روش بازآزمایی ۰/۸۱ بوده است که پایایی بالای این پرسش‌نامه را نشان می‌دهد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه معادل ۰/۶۵ محاسبه شد.

یافته‌ها

تعداد کل شرکت‌کنندگان نهایی در پژوهش ۳۹۱ نفر که شامل ۲۰۳ پسر (۵۱/۹٪) و ۱۸۸ دختر (۴۸/۱٪) بودند. فراوانی آن‌ها به تفکیک گروه سنی در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها به تفکیک سن

گروه سنی	تعداد	درصد
۱۸-۲۱	۲۲۰	۵۶/۳٪
۲۲-۲۵	۱۳۷	۳۵/۱٪
۲۶-۳۰	۳۰	۷/۶٪
سن نامشخص	۴	۱٪
جمع	۳۹۱	۱۰۰

بر اساس نتایج حاصل از پژوهش از میان ۳۹۱ آزمودنی شرکت‌کننده در پژوهش، با اعمال missing ۳۶۷ پرسشنامه کامل به دست آمد. برای تحلیل یافته‌ها افراد بر اساس نمره‌ای که در پرسشنامه کیفیت ارتباطی کسب کرده بودند به سه گروه تقسیم شدند، به این ترتیب که چارک اول در توزیع فراوانی گروه مشکلات کم، چارک‌های دوم و سوم گروه مشکلات متوسط و چارک آخر گروه مشکلات زیاد در نظر گرفته شدند. تعداد هر گروه بر حسب جنسیت در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس مشکل ارتباطی و جنسیت

جنسیت	مشکل ارتباطی کم	مشکل ارتباطی متوسط	مشکل ارتباطی زیاد	جمع
پسر	۳۴	۱۴۱	۱۵	۱۹۰
دختر	۳۹	۱۱۷	۲۱	۱۷۷
جمع	۷۳	۲۵۸	۳۶	۳۶۷
درصد	۲۰	۷۰/۲	۹/۸	۱۰۰

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲ مقایسه فراوانی افرادی که در سه گروه مشکلات کم تا زیاد هستند، نشان می‌دهد که ۲۰٪ افراد در گروه مشکلات ارتباطی کم، ۷۰/۲٪ دچار مشکلات متوسط و ۹/۸٪ در گروه مشکلات شدید قرار می‌گیرند.

به منظور تعیین معناداری تفاوت بین میانگین این سه گروه از نظر تمایز یافتگی (خرده مقیاس‌های واکنش هیجانی، بریدگی عاطفی، جایگاه من و آمیختگی) آزمون ANOVA انجام شد. نتایج این آزمون در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: خلاصه تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین خرده مقیاس‌های تمایز یافتگی خود

متغیر وابسته	واریانس	جمع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	نسبت F	سطح معناداری
تمایز یافتگی خود	واریانس بین گروهی	۶۵۰۲/۷۸۲	۲	۳۲۵۱/۳۹۱	۱۳/۵۸۶	۰/۰۰۱
	واریانس درون گروهی	۸۷۱۱۱/۵۹۴	۳۶۴	۲۳۹/۳۱۸		
	جمع	۹۳۶۱۴/۳۷۶	۳۶۶			
واکنش هیجانی	واریانس بین گروهی	۲۱۰/۵۴۸	۲	۱۰۵/۲۷۴	۳/۴۸۵	۰/۰۳۲
	واریانس درون گروهی	۷۳۴۰/۶۱۰	۲۴۳	۳۰/۲۰۸		
	جمع	۷۵۵۱/۱۵۹	۲۴۵			
جایگاه من	واریانس بین گروهی	۱۲۵/۶۸۶	۲	۶۲/۸۴۳	۲/۰۸۷	۰/۱۲۶
	واریانس درون گروهی	۷۳۱۵/۵۲۱	۲۴۳	۳۰/۱۰۰۵		
	جمع	۷۴۴۱/۲۰۷	۲۴۵			
بریدگی هیجانی	واریانس بین گروهی	۲۰۱۷/۷۵۶	۲	۱۰۰۸/۸۷۸	۱۷/۸۱۵	۰/۰۰۰۱
	واریانس درون گروهی	۱۳۷۶۱/۵۹۸	۲۴۳	۵۶/۶۳۲		
	جمع	۱۵۷۷۹/۳۵۴	۲۴۵			
آمیختگی	واریانس بین گروهی	۱۰۴۲/۶۵۰	۲	۵۲۱/۳۲۵	۱۱/۳۴۵	۰/۰۰۰۱
	واریانس درون گروهی	۱۱۱۶۶/۴۴۳	۲۴۳	۴۵/۹۵۲		
	جمع	۱۲۲۰۹/۰۹۳	۲۴۵			

همان گونه که در جدول ۳ مشاهده می شود، توجه به نسبت F و سطح معناداری آن نشان می دهد که میانگین سه گروه با مشکلات ارتباطی کم، متوسط و زیاد از نظر تمایز یافتگی تفاوت معنادار ($p \leq 0/001$) دارد. در میان خرده مقیاس های تمایز یافتگی، بین میانگین متغیرهای بریدگی عاطفی ($P \leq 0/001$)، واکنش هیجانی ($p \leq 0/032$) و آمیختگی ($P \leq 0/001$) در سه گروه تفاوت معنادار دیده می شود. بنابراین، می توان گفت این سه متغیر در بروز آسیب در رابطه افراد با جنس مخالف نقش دارند. افرادی که بریدگی عاطفی، واکنش هیجانی و آمیختگی بیشتری دارند، بیش از بقیه در روابط با غیر هم جنس دچار مشکل می شوند. از سوی دیگر یافته ها نشان می دهد که تفاوت میانگین جایگاه من، در سه گروه معنادار نیست ($P \leq 0/126$). نتیجه تست تعقیبی شفه در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴: مقایسه میانگین ها در سه گروه از نظر خرده مقیاس های تمایز یافتگی خود

متغیر ابسته	گروه های مشکل ارتباطی	تفاوت میانگین ها	انحراف استاندارد	سطح معناداری
تمایز یافتگی خود	۱	۶/۵۴۸۳۳	۲/۰۵۰۸۳	۰/۰۰۶
	۲	۹/۷۱۷۰۵	۲/۷۵۲۳۳	۰/۰۰۲
	۳	۱۶/۲۸۵۳۹	۳/۱۵۰۵۶	۰/۰۰۱
واکنش هیجانی	۱	۰/۹۹۹۳۶	۰/۷۳۲۵۸	۰/۳۹۵
	۲	۲/۰۳۳۸۸	۰/۹۸۳۱۶	۰/۱۱۹
	۳	۳/۰۳۳۲۵	۱/۱۲۵۴۱	۰/۰۲۷
جایگاه من	۱	۱/۱۲۵۸۰	۰/۷۰۵۲۴	۰/۲۶۸
	۲	۰/۴۶۱۸۹	۰/۹۴۶۴۷	۰/۸۸۸
	۳	۱/۶۰۷۶۹	۱/۰۸۳۴۱	۰/۳۳۴
بریدگی عاطفی	۱	۴/۲۲۴۸۶	۱/۰۲۰۱۴	۰/۰۰۱
	۲	۴/۲۸۶۱۸	۱/۳۶۹۰۹	۰/۰۰۸
	۳	۸/۵۱۱۰۴	۱/۵۶۷۱۸	۰/۰۰۱
آمیختگی	۱	۲/۴۸۹۹۱	۰/۹۲۰۴۵	۰/۰۲۷
	۲	۳/۸۵۷۷۸	۱/۲۳۳۳۰	۰/۰۰۸
	۳	۶/۳۴۷۷۹	۱/۴۱۴۰۳	۰/۰۰۱

در این جدول گروه مشکلات ارتباطی کم با شماره ۱، گروه با مشکلات متوسط با شماره ۲ و گروه مشکلات زیاد با شماره ۳ مشخص شده است. مندرجات جدول ۴ نشان می دهد میانگین هر سه گروه با میزان تمایز یافتگی تفاوت معنادار دارد. درباره واکنش هیجانی فقط تفاوت میانگین ها بین گروه های با مشکلات ارتباطی کم و زیاد معنادار است ($P \leq 0/027$) و بین گروه های کم و متوسط تفاوت معنادار نیست. بین میانگین گروه های مشکلات متوسط و زیاد

هم تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود. در خرده مقیاس جایگاه من مقایسه بین میانگین‌های هر سه گروه با هم تفاوت معناداری نشان نمی‌دهد و حاکی از این است که جایگاه من رابطه معناداری با مشکلات ارتباطی ندارد. در خرده مقیاس بریدگی عاطفی مقایسه میانگین‌های هر سه گروه با هم معنادار است که سطح معناداری تفاوت بین گروه مشکلات کم و متوسط ($P \leq 0/01$)، بین گروه‌های مشکلات متوسط و زیاد ($P \leq 0/008$) و بین میانگین گروه‌های مشکلات متوسط و شدید ($P \leq 0/001$) است. به این ترتیب بریدگی عاطفی نقش بسیار مؤثری در بروز مشکلات ارتباطی با جنس مخالف دارد. در خرده مقیاس آمیختگی نیز تفاوت بین میانگین‌های هر سه گروه با هم معنادار است. سطح معناداری تفاوت بین میانگین‌های گروه‌های مشکلات کم و متوسط ($P \leq 0/027$) بین میانگین‌های گروه‌های متوسط و شدید ($P \leq 0/008$) و بین میانگین‌های گروه‌های مشکلات متوسط و شدید ($P \leq 0/001$) است. مقایسه نتایج در جدول ۴ نشان می‌دهد که تمایزیافتگی خود، بریدگی عاطفی، آمیختگی و واکنش هیجانی با مشکلات ارتباطی رابطه معنادار دارند. به این ترتیب فرضیه پژوهش درباره تمایزیافتگی و سه خرده مقیاس آن (واکنش هیجانی، آمیختگی، بریدگی عاطفی) تأیید می‌شود و درباره جایگاه من تأیید نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی نقش تمایزیافتگی خود در بروز مشکلات ارتباط با غیر هم‌جنس بود. شبیه این پژوهش در ایران انجام نشده است و شاید آنچه در خارج از کشور انجام شده، به دلیل تفاوت نوع رابطه با غیر هم‌جنس دقیقاً با فرهنگ ایران مقایسه‌پذیر نباشد. نتایج پژوهش نشان دهنده تأیید فرضیه اول و دوم پژوهش است. به این ترتیب که تمایزیافتگی کم با افزایش مشکلات بین فردی با غیر هم‌جنس رابطه داشت. علاوه بر آن از میان خرده مقیاس‌های تمایزیافتگی؛ بالا بودن واکنش هیجانی، بریدگی عاطفی و آمیختگی با افزایش مشکلات ارتباط با جنس مخالف رابطه معنادار داشت. این یافته‌ها هم‌سو با نتایج پژوهش‌های دیگر انجام شده در این زمینه است. به عنوان مثال هاروی و همکاران (۱۹۹۱) و اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) در پی پژوهش‌های خود گزارش کردند که افراد تمایزیافته‌تر سازگاری شخصی بهتر و مشکلات روانی- جسمی کمتری دارند. اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) در

پژوهش خود دریافتند که کسانی که بریدگی عاطفی و واکنش هیجانی کمتری داشتند رضایت آن‌ها از روابط صمیمانه بیشتر بود. فردیناند (۲۰۰۱) نیز در پژوهشی در میان ۱۱۴ زوج که قبل یا در اوائل ازدواج خود بودند به این نتیجه رسید که کاهش بریدگی هیجانی پیش‌بینی کننده رضایت آن‌ها از رابطه بود. در پژوهش دیگری که فردیناند (۲۰۰۱) در میان دانشجویان مجرد زن و مرد انجام داد دریافت که آمیختگی و واکنش هیجانی بالا با میزان رضایت از همسر همبستگی معکوس داشت که در راستای نتیجه این پژوهش است. اسکورن (۲۰۰۰) نیز در پژوهش در میان زوج‌ها به این نتیجه رسید که زوج‌هایی که کمتر واکنش هیجانی دارند و بریدگی عاطفی و آمیختگی در آن‌ها کمتر است و بهتر می‌توانند در روابط خود در جایگاه من باشند رضایت زناشویی بیشتری دارند.

در این پژوهش فرضیه سوم تأیید نشد یعنی ارتباط معناداری بین جایگاه من و مشکلات ارتباطی دیده نشد. این نتیجه هم راستا با یافته‌های نجف‌لویی (۱۳۸۵) در نمونه دانشجویان متأهل است. او به این نتیجه رسید که تعارض‌های زناشویی با خرده مقیاس‌های واکنش هیجانی، بریدگی عاطفی و آمیختگی همبستگی معنادار دارد و با جایگاه من همبستگی معنادار ندارد. در پژوهش‌هایی که در خارج از ایران انجام شده، نتایج متفاوتی گزارش شده و برخی از آن‌ها با نتایج این پژوهش متفاوت است. به عنوان مثال اسکورن (۲۰۰۰) دریافت که از میان ابعاد تمایز یافتگی، فقط بریدگی عاطفی و واکنش هیجانی پیش‌بینی کننده بروز اختلافات زناشویی هستند و جایگاه من و آمیختگی پیش‌بینی کننده نیستند. در حالی که اسکورن (۲۰۰۰) در پژوهشی دیگر به این نتیجه رسید که زوج‌هایی که جایگاه من در آن‌ها بیشتر است از رضایت زناشویی بیشتری بهره‌مند هستند و فردیناند (۲۰۰۱) نیز در پی اجرای پژوهشی در دانشجویان گزارش کرد که افزایش جایگاه من با کاهش مشکلات عاطفی رابطه دارد.

یکی از عوامل مؤثر در تمایز یافتگی نقش عوامل فرهنگی در زمینه جمع‌گرایی و فردگرایی است. فرهنگ‌های فردگرایی مانند آمریکا و اروپای غربی بر استقلال فردی تأکید می‌کنند، در حالی که در فرهنگ‌های جمع‌گرایی مثل آسیا، آفریقا و امریکای لاتین بر همبستگی تأکید می‌شود (کائو و سینها^۱، ۱۹۹۹؛ مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱). در فرهنگ شرقی اگر کسی قاطع

باشد و نظرات و دیدگاه‌ها و خواسته‌های خود را صریحاً ابراز کند خودخواه به نظر می‌رسد و با انتظار گروه هماهنگ نیست (مورفی^۱، ۱۹۹۹). در فرهنگ‌های جمع‌گرا در مقایسه با فردگرا استقلال شخصی کمتری دیده می‌شود (کازین^۲، ۱۹۸۹؛ میلر و برسوف^۳، ۱۹۹۲ به نقل از رودی و همکاران، ۲۰۰۷) و معمولاً افراد به هماهنگی با دیگران و انجام دادن وظایف خود در برابر دیگران ترغیب می‌شوند، در حال که در فرهنگ فردگرا بر حقوق فردی و داشتن قدرت حق انتخاب تأکید می‌شود. فرهنگ سنتی ایران فرهنگی جمع‌گراست که اغلب به هم‌رنگی با دیگران به قیمت گذاشتن از عقاید و ارزش‌های شخصی تشویق می‌شود. هر چند با گذر زمان و تحولات فرهنگی و اجتماعی، به مرور زمان از جنبه‌های جمع‌گرایی آن کاسته شده و بر فردگرایی افزوده شده است. با این همه هنوز جزو فرهنگ‌های جمع‌گرا به شمار می‌آید. هافستد (۲۰۱۰) در تقسیم‌بندی کشورهای دنیا از نظر جمع‌گرایی و فردگرایی، نمره فردگرایی ایران را ۴۱ با رتبه ۲۴ گزارش کرده است. در حالی که فردگراترین کشور آمریکا با نمره ۹۱ و رتبه ۱ و کمترین فردگرایی مربوط به کشور گواتمالا با نمره ۶ و رتبه ۵۳ است. به این ترتیب مشاهده می‌کنیم که ایران بیشتر جمع‌گراست تا فردگرا.

چانگ و گال^۴ (۲۰۰۶) در پژوهشی که درباره تفاوت بین فرهنگی از نظر رابطه تمایز یافتگی و اعتماد به نفس انجام دادند، دو فرهنگ کره (جمع‌گرا) و آمریکا (جمع‌گرا) را مقایسه کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که میزان واکنش هیجانی، بریدگی عاطفی و آمیختگی در دانشجویان آمریکایی و کره‌ای نسبت به آمریکایی‌ها بیشتر بود، در حالی که جایگاه من کمتر بود. آن‌ها نتیجه گرفتند که تمایز یافتگی در فرهنگ‌های فردگرا نسبت به جمع‌گرا ارزشمندتر شمرده می‌شود و در فرهنگ‌های جمع‌گرا بر آمیختگی بیشتر تأکید می‌شود و روش‌های تربیتی به گونه‌ای است که در افراد جایگاه من (پایداری بر خواسته‌های شخصی به‌رغم فشار گروه) کمتر پرورش می‌یابد.

اسعدی و همکاران (۱۳۸۵) در یک مطالعه بین فرهنگی در مقایسه دانشجویان ایرانی و

-
1. Murphy
 2. Cousins
 3. Miller & Bersoff
 4. Chung & Gale

امریکایی به این نتیجه رسیدند که دانشجویان ایرانی به دلیل غلبه فرهنگ جمع‌گرایی تأکید بیشتری بر همبستگی و توافق بین فردی داشتند و بیشتر از دانشجویان امریکایی نظرات دیگران را بدون نقادی می‌پذیرفتند، در حالی که دانشجویان امریکایی که در فرهنگ فردگرا تربیت شده بودند از خوداتکایی، رقابت، حفظ فاصله هیجانی بیشتری بهره‌مند بودند و نسبت به نظرات دیگران به ارزیابی تحلیلی و انتقادی اقدام می‌کردند. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که علت مشاهده نشدن رابطه بین جایگاه من و مشکلات ارتباطی در این پژوهش غلبه جنبه جمع‌گرایی فرهنگ ایران است.

این پژوهش نشان داد افراد تمایز یافته‌تر و واکنش هیجانی، بریدگی عاطفی و آمیختگی آن‌ها با دیگران بیشتر است در رابطه با غیر هم‌جنس با مشکلات بیشتری مواجه می‌شوند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد حدود ۸۰٪ از افراد مشکلات متوسط و شدید دارند که نشان‌دهنده اهمیت توجه به عوامل مرتبط با روابط آسیب‌زا با جنس مخالف و فراهم آوردن آموزش‌های لازم در این زمینه است.

منابع

اسعدی، محمد، اعتصام، فرناز، نایت، کیم ایچ، الفنباین، مورتون و رضاعی، فرزین (۱۳۸۵). رابطه فردگرایی و جمع‌گرایی با شیوه دانستن مستقل و ارتباطی در دانشجویان ایرانی و امریکایی. *تازه‌های علوم شناختی*، سال ۸، شماره ۱. صفحه ۲۲-۱۷.

اسکیان، پرستو و چنگیزی، فرهاد (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و سبک هویتی دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران. *مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*.

خلج آبادی فراهانی، فریده و مهریار، امیر هوشنگ (۱۳۸۹). بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف در دختران دانشجو در تهران. *خانواده پژوهی*، سال ۶، شماره ۲۶، صفحه ۳۲-۲۶.

نجف لویی، فاطمه (۱۳۸۵). نقش تمایز خود در روابط زناشویی. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره ۱۲، شماره ۲ و ۳. صفحه ۳۷-۲۷.

یانگ، جفری، کلوسکو، ژانت و ویشار، مارجوری (۱۳۸۶). *طرحواره درمانی*. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز. تهران، ارجمند.

.....

- Bayumeister, R. Leary, M. (1995).** The need to belong : Desire for interpersonal attachment as a fundamental human motivation, *Psychological bulletin*. Vol. 117, No 3, 497-529.
- Bowen, M. (1978).** *Family therapy in clinical practice*. Ny. London. Jason Anderson.
- Chung, Hyejjeong, G. (2006).** Comparing self differentiation and psychological well- being between Korean and American students. *Contemp. Fam Ther.* 28: 367- 381.
- Ferdinand, L. (2001).** *The influence of differentiation of in individual and couples functioning in premarital and newlywed couples*. Master's of thesis in Georgia State university.
- Harvey, D. Curry, C. (1991).** Individuation and intimacy in intergenerational relationships and health, *Journal of family psychology*, 5, 204- 236.
- Hofetede, Geert (2010).** *Culture and Organization*. Thousands Oaks, Ca. Sage Publications.

- Kao, H. Sinha, D. (1997)** *Asian perspectives on psychology. New delhi, thousands oaks. Ca/London, Sage publication.*
- Kerr, M. Bowen, M. (1988).** *Family evaluation: An approach based on Bowen theory.* Ny. Norton.
- Markus, H. Kitayama, S. (1991).** Culture and the self implications for cognition and emotion and motivation. *Psychological review.* 98, 224- 253.
- Murphy, M. Francis. (1999).** *Is the Bowen theory universal? Level of differentiation of self and marital adjustment among Asian- American.* PhD Dissertation of Wright Institute Graduate School of Psychology. 17- 43.
- Rudy, Duane; Sheldon, Kennon; Awong, Tsasha, Hoon Tan, Hwee(2007).** Autonomy, culture and well being: the benefits of inclusive autonomy. *Journal of research in personality.* 41.983-1007.
- Schnarch, L. (1997).** *Sex, love and intimacy in emotionally committed relationship,* NewYork, Norton.
- Skorown, E. (2000).** The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of counseling psychology.* 47, 229- 237.
- Skorown, E. Friedlander, M. (1998).** The differentiation of self inventory: development and initial validation. *Journal of counseling psychology.* 45, 235- 246.
- Young, Jeffrey; Klosko, Janet(1993).** *Reinventing your life.* Penguin Book.

